

ضرورت مفهوم سازی

مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی

مشارکت سیاسی از جمله مفاهیمی است که در دهه اخیر مورد مناقشه گروه‌ها و نیروهای سیاسی / فکری جامعه سیاسی ایران قرار گرفته است. ساده‌ترین تعریف، آن است که مشارکت سیاسی را مجموعه‌ای فعالی بدانیم که شهروندان جهت نفوذ و تأثیرگذاری بر ساختار سیاسی و فرایند تصمیم‌سازی سیاسی انجام می‌دهند. ساختار سیاسی مجموعه پایگاه‌های قدرت مستقر و نهادینه را در بر گرفته و تصمیم‌سازی سیاسی نیز توسط مسئولان مستقر در این پایگاه‌ها صورت می‌گیرد. هر چند این اقدامات همواره در طول تاریخ در درون نظام‌های سیاسی جریان داشته؛ اما امروزه قلمرو و عرصه آن افزایش یافته است. مجموعه این اقدامات را می‌توان بر اساس الگوی ساختارگرا - کارکردی به چهار مرحله، تقسیم نمود: مرحله اول فعالیت‌هایی است که در سطح ورودی یا داده‌ها انجام می‌پذیرد. در این مرحله شهروندان می‌توانند در سه سطح به مشارکت سیاسی بپردازند؛ اول، در فرایند استخدام سیاسی است که مسئولان یک نظام توسط مردم انتخاب می‌شوند. کلیه افرادی که نامزدی برای دست‌یابی به مناصبی را تقبل می‌نمایند، کسانی که برای آنان تبلیغ می‌نمایند و بالاخره آنانی که به نامزدهای خاص رأی می‌دهند، در سیاست مشارکت می‌جویند. فرایند دوم به صورت بیان (تصریح) منافع و جمع‌بندی (تألیف) آن منافع است. در این فرایند، شهروندان حمایت‌ها و تقاضاهای خود را به سیستم سیاسی ارائه داده و در نهایت، این مجموعه داده‌ها به صورت اطلاعات وارد سیستم سیاسی می‌شود. و فرایند سوم، ارائه و تقدیم خدمات و ثروت به سیستم سیاسی است. در این فرایند، مردم با پرداختن مالیات و یارفتن به خدمت سربازی در سیاست و قدرت مشارکت می‌جویند.

مرحله دوم مربوط به فرایند تصمیم سازی است. گاهی مردم به طور مستقیم تصمیم می‌گیرند؛ مثل شرکت در رفراندوم، و گاهی نیز با مکانیزم‌های دیگر در تصمیم‌گیری شرکت می‌نمایند.

مرحله سوم، در خروجی سیستم سیاسی است که شهروندان با اطاعت و اجرای مصوبات و تصمیمات و با سرباز زدن از قواعد و قوانین به گونه‌ای خاص در سیاست شرکت می‌جویند. و سرانجام در مرحله چهارم، شهروندان می‌توانند با انعکاس نظرات و دیدگاه‌های خود و تأثیر در تصمیمات و اقدامات سیاسی سیاستمداران، در عرصه سیاست شرکت جویند. مشارکت سیاسی، مشارکت در نوعی مبارزه سیاسی است که در آن، هر گروهی در صدد است تا تقاضاها و منافع خود را تبدیل به تصمیمات و قوانین مصوب سیستم سیاسی نماید که پس از آن توسط سیستم سیاسی اعلام یا اجرا گردد.

اما این مبارزه در درون سیستم سیاسی و بر اساس قواعد و قوانین آن سیستم انجام می‌پذیرد. بنابراین، مشارکت سیاسی نوعی مبارزه در رژیم است نه مبارزه بارژیم. در آن جا که مبارزه آغاز می‌گردد، مسأله مشارکت سیاسی منتفی است. هر چند مشارکت سیاسی نیز دارای چهره‌های مختلف مسالمت‌آمیز و خشونت‌آمیز (تظاهرات) می‌تواند باشد؛ اما همواره ضمن پذیرش ساختار کلی در جهت تغییرات مسؤلان و یا تصمیمات آنهاست.

مسأله‌ای که در دهه اخیر در ایران مورد مناقشه است، قلمرو و عرصه مشارکت سیاسی و مشارکت‌کنندگان سیاسی است؛ چه آن که مفهوم سازی و تبیین هر دو مقوله، به مفهوم سازی حاکمیت سیاسی و منشاء و خاستگاه آن مربوط می‌شود. در صورت پذیرش حاکمیت مردم و جمهوریت نظام سیاسی، هم قلمرو و موضوعات مشارکت سیاسی و هم حقوق سیاسی مشارکت جویان گسترش خواهد یافت. اما با استناد حاکمیت به هر گونه‌ای غیر از منشاء مردمی و عمومی آن، دامنه هر دو مقوله کاهش خواهد یافت. بر این مبناست که مفهوم حکومت، سیاست، حاکمیت، شهروندان، حکام، دولت، مشارکت و ... تعیین می‌شوند.

هر چند بخشی از مناقشات مربوط به نظرات متفاوت در زمینه حاکمیت است؛ اما واقعیت این است که احتمالاً هیچ یک از گروه‌های درگیر، همت و کوششی جدی برای مفهوم سازی حاکمیت ننموده‌اند، و البته بخشی از مسائل به ابهامات عدیده‌ای باز می‌گردد که به علت عدم نظریه پردازی در این زمینه به وجود می‌آید.

مسأله دیگر آن است که با چهار نگرش متفاوت فلسفی، فقهی، جامعه‌شناسی و علم سیاسی

می‌توان به مفهوم سازی مشارکت سیاسی پرداخت که هر یک دارای حوزه و قلمرو خاص خود می‌باشند و اختلاط آنها بر ابهام این قضیه خواهد افزود. اولین مسؤولیت بر عهده اندیشمندان و فلاسفه سیاسی است که به بحث حوزه و قلمرو، ضرورت و اهمیت و ماهیت مشارکت سیاسی با نگاهی فلسفی بپردازند. پس از فلاسفه، از فقها انتظار می‌رود که به صورت جزئی و مصداقی احکام شرعی مربوط به رفتار سیاسی شهروندان را در این زمینه اعلام نمایند؛ چه آن‌که، مردم این کشور، مسلمان و مقید به احکام دینی می‌باشند. در احکام عملی / سیاسی مطروحه در جامعه ما جای خالی احکام فقهی به شدت ملاحظه می‌شود و زیان‌ها و خسارت‌های جبران‌ناپذیری تا کنون بر رفتار و اعتقادات مذهبی / سیاسی مردم وارد شده و می‌شود. مردم می‌خواهند بدانند تکالیف و حقوق آنان نسبت به رأی دادن، تبلیغ برای نامزدها، نامزد شدن برای احراز مناصب، بیان نظرات و انتقادات به مسؤولان نظام سیاسی چیست؟ متأسفانه در این زمینه کم‌ترین احکام شرعی در دسترس می‌باشد و درست به همین دلیل، لازم است که در این زمینه که کار نظری و فکری جدی و سریعی صورت گیرد.

مسئلاً نظام سیاسی ما نمی‌تواند نسبت به مشارکت سیاسی بی‌تفاوت باشد؛ اما حوزه و قلمرو این مشارکت هنوز توصیف و تبیین و تشریح نشده است. بر متخصصین رشته علوم سیاسی است که با جهت‌گیری کاربردی و بومی نمودن این رشته، به مفهوم سیاسی مشارکت سیاسی بپردازند. در نهایت، مشارکت سیاسی مثل هر پدیده دیگر اجتماعی، تابع قواعد و قوانین خاص خودش است؛ افزایش و یا کاهش کمی و کیفی آن در گرو آگاهی از قواعد جامعه شناختی و بهره‌گیری از این قواعد می‌باشد. مسئلاً بی‌توجهی به این قواعد، موجب کاهش مشارکت سیاسی و ناکارآمدی این فرایند و گاه پیامدهای ناگواری در جامعه خواهد شد. پیدایش و گسترش و نهادمند شدن مشارکت سیاسی کارآمد، منوط به شرایط روان‌شناختی، اعتقادی، فرهنگی، اقتصادی و سیاسی مناسبی می‌باشد که در ابتدا باید آنها را فراهم نمود.

نظام سیاسی جمهوری اسلامی بر دو پایه جمهوریت و اسلامیت بنا نهاده شد و این دو اصل، زمانی تحقق می‌یابد که مشارکتی سیاسی اسلامی در جامعه نهادینه شود. اما با توجه به تاریخچه طولانی نظام خودکامه سنتی و عدم مشارکت سیاسی در جامعه و نوپایی آن در جامعه اسلامی، نیاز و مسأله فوری، آن است که اندیشمندان این مرز و بوم به بررسی‌های مختلف در این زمینه بپردازند و فرهنگ سیاسی مشارکت‌جویانه را در جامعه بگسترانند و نهادهای مشارکت سیاسی را در جامعه ایجاد نمایند.

